



روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور
مرجع تصویب: هیئت عمومی دیوانعالی کشور
شماره ویژه نامه: ۸۴۰

دوشنبه، ۲۸ دی ۱۳۹۴

سال هفتاد و یک شماره ۲۰۶۴۴

رای وحدت رویه شماره ۷۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با موضوع تأیید آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور به دلیل انطباق با ماده ۲ قانون مدنی در خصوص آراء محکومیت مرتکبین جرایم موادمخدر

شماره: ۰۰۰/۰۰/۰۰۰۰

شماره: ۰۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه ردیف ۰۰/۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه مربوط و رأی آن به شرح ذیل تنظیم و جهت چاپ و نشر ایفاد می گردد.

معاون قضائی دیوان عالی کشور - ابراهیم ابراهیمی

مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۰۰/۰۰ رأس ساعت ۱۰ روز سه شنبه مورخ ۰۰/۰/۰۰۰۰ به ریاست حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حسین کریمی رئیس دیوان عالی کشور و حضور حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید ابراهیم رئیسی دادستان کل کشور و شرکت آقایان رؤسا، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص مورد و استماع نظریه دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضائی شماره ۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰ منتهی گردید.

الف: گزارش پرونده

احتراماً معروض می دارد: به دلالت مفاد دادنامه های ۰۰۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰ و ۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور و دادنامه های ۰۰۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ و ۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ شعب چهل و پنجم و چهل و ششم دیوان عالی کشور، با استناد به قوانین متفاوت، در موضوع مشابه (قابل تجدیدنظر بودن احکام مجازات غیر اعدام جرایم موادمخدر) آراء مختلف صادر گردیده است که جریان پرونده های هر یک از شعب مرقوم به شرح ذیل منعکس می شود:

الف) در پرونده ۰۰۰۰۰۰۰ شعبه چهل و چهارم دیوان عالی کشور، آقای زیارت... به اتهام خرید مجموعاً ۰۰۰/۰۰۰ کیلوگرم تریاک بنا بر نحوه و کیفیت جاسازی مواد و دلایل استنادی به موجب بند ۲ ماده ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۰۰۰۰۰۰ تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات بعدی ۰۰۰۰۰ به مجازات حبس ابد و جزای نقدی به مبلغ چهارصد و سی و سه میلیون ریال و ۰۰ ضربه شلاق و مصادره اموال محکوم شده است. از رأی صادره وکیل ایشان تجدیدنظرخواهی نموده و پرونده به دادستانی کل کشور ارسال و از آن طریق به دیوان عالی کشور واصل و به این شعبه ارجاع گردیده است.

هیأت شعبه پس از قرائت گزارش آقای غلامعلی رضایی عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای محمد باقر باقری دادیار دیوان عالی کشور اجمالاً مبنی بر اینکه پرونده قابل طرح و رسیدگی در دیوان عالی کشور، نمی باشد چنین رأی داده اند: «نظر به اینکه احکام صادره در مورد مواد مخدر غیر از اعدام قطعی و حق تجدیدنظرخواهی برای محکوم علیه در ق. م. م. م. پیش بینی نشده است فقط در حدود مقررات ماده ۰۰ قانون، احکام صادره راجع به مواد مخدر در خصوص اعدام قابل تأیید یا نقض رئیس دیوان عالی کشور می توانست قرار بگیرد، لذا در مورد احکام غیر اعدام با توجه به اینکه به موجب رأی ۰۰۰/۰۰۰ ۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ماده ۰۰ آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که برای احکام قطعی مهلت تجدیدنظرخواهی مقرر کرده بود ابطال گردیده و بنابراین، قبل از نسخ صریح ماده ۰۰ همان قانون مطابق ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۰۰۰۰۰ با اصلاحات و الحاقات ۰۰۰۰۰ فقط به مدلول ماده ۰۰ ق. م. م. م. عمل می گردید و در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز در خصوص احکام قطعیت یافته هیچ موردی پیش بینی نشده است و در ماده ۰ قانون مدنی مقرر گردیده قانون نسبت به ما قبل اثر ندارد و ماده ۰ قانون آیین دادرسی [دادگاه های عمومی و انقلاب در امور] مدنی نیز آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و فرجامخواهی را تابع قانون مجری در زمان صدور آن دانسته است و ماده ۰۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص شیوه دادرسی، شامل احکام قطعی در زمان صدور آن نمی باشد، بنا بر مراتب فوق، فرجامخواهی فرجام خواه قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور نمی باشد. این رأی قطعی است.»

ب - در پرونده ۰۰۰۰۰۰۰ شعبه سی و هشتم دیوان عالی کشور نیز درباره دادنامه ۰۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تجدیدنظر خواسته، مشاوره نموده و طی دادنامه ۰۰/۰/۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ شرح زیر رأی داده اند:

«مستنبط از رأی وحدت رویه شماره ۰۰۰/۰/۰۰۰۰ هیأت محترم عمومی دیوان عالی کشور، اثر قانون مطابق ماده چهار قانون مدنی نسبت به آتیه است و به ما قبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی پیش‌بینی شده باشد و نظر به اینکه در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات خاصی برای درخواست تجدیدنظر محکوم علیه یا دادستان و .. برای احکام قطعی دادگاه‌های انقلاب اسلامی در مورد جرائم مواد مخدر در نظر گرفته نشده و آراء دادگاه‌ها از حیث قابلیت اعتراض و پژوهش و فرجام تابع قانون مجری در زمان صدور آن می‌باشد و در تبصره ماده ده قانون مجازات اسلامی نیز مقرر داشته مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین یا موارد خاص وضع شده است مگر به تصریح قانون لاحق اعمال نمی‌شود از این رو تجدیدنظرخواهی وکلای آقای عبدالسلیم... نسبت به دادنامه شماره ۰۰۰/۰۰/۰۰۰۰ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی لامرد متضمن محکومیت موکلشان به تحمل هجده سال و چهار ماه و پانزده روز حبس و جزای نقدی و شلاق به اتهام نگهداری بیست و دو گرم هروئین به لحاظ قطعی بودن در زمان صدور حکم و نسخ ماده ۰۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به ویژه قسمت اخیر آن، غیر قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده می‌شود، اما شعب چهارم و پنجم و چهل و ششم دیوان عالی کشور طی پرونده‌های ۰۰۰۰۰۰ و ۰۰۰۰۰۰، در نظیر مورد به اعتراضات واصله رسیدگی کرده‌اند که دادنامه‌های مربوط به هر کدام عیناً منعکس می‌شود:

دادنامه ۰۰۰۰۰۰ ۰۰/۰/۰۰۰۰ شعبه چهارم و پنجم:

در خصوص اعتراض دادیار شعبه هفتم دادرسی عمومی و انقلاب قزوین و نیز اعتراض و فرجام‌خواهی آقای علیرضا... وکیل آقایان فرهاد... و داود... نسبت به دادنامه شماره ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰/۰/۰۰۰۰ صادر شده از شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی قزوین که طی آن نامبردگان به اتهام امحاء مقدار دو کیلوگرم مواد روانگردان شیشه به استناد ماده ۰۰ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند، با توجه به مجموع محتویات پرونده صورت جلسه مأمورین پلیس مبارزه با مواد مخدر قزوین و تحقیقات انجام شده از آنان در دادسرا که اعلام کردند پس از مشکوک شدن به نامبردگان در عوارضی شماره ۰ و باز کردن درب جلو خودرو، پلاستیک حاوی دو کیلوگرم شیشه در جلو پای سرنشین خودرو مشاهده گردیده که قبل از برداشتن پلاستیک با دستور سرنشین پراید راننده اقدام به فرار نموده و در تعقیب و گریز خودرو، پلاستیک حاوی مواد به بیرون پرتاب می‌شود. قطع نظر از عدم کشف مواد مذکور و انکار نامبردگان از بدو دستگیری نظر به اینکه مواد مزبور قبل از امحاء در خودرو مشاهده شده، لذا اتهام متهمان مشارکت در حمل و نگهداری مواد مذکور می‌باشد، از این رو اعتراض دادیار شعبه هفتم دادرسی عمومی و انقلاب قزوین و نیز اعتراض وکیل نامبردگان وارد است، به استناد بند ۰ شق ب ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۰۰/۰۰/۰۰۰۰ دادنامه موصوف در قسمت محکومیت آنان به اتهام شرکت در امحاء مواد نقض می‌شود و پرونده به شعبه هم‌عرض دادگاه رسیدگی کننده ارجاع می‌گردد.

۰. دادنامه ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰/۰/۰۰۰۰ شعبه چهارم و ششم:

در مورد اعتراض وکلای خانم عاطفه... و آقای اشکان... نسبت به دادنامه ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰/۰۰/۰۰۰۰ شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی همدان مبنی بر محکومیت هر یک از نامبردگان به مجازات حبس ابد، با محرز بودن کشف مواد مذکور در دادنامه از منزل تحت تصرف خانم عاطفه...، انکار مالکیت خویش و انتساب آن به آقای محمد... و بیان این ادعا که در آن منزل مستأجر بوده و به جای پرداخت اجاره بها برای موجر مواد موصوف را نگهداری کرده است موثر در مقام نبوده و از آن حیث که رکن مادی بزه نگهداری مواد مخدر ملازمه‌ای با مالکیت آن ندارد و از اثبات برائت مشارالیه‌ها قاصر بوده و از جهت تشخیص عنوان جرم، ترتب کیفر و رعایت تشریفات دادرسی عاری از اشکال مقتضی نقض می‌باشد، لذا مستنداً به بند الف ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۰۰۰۰ ۰۰ اصلاحات بعدی دادنامه فرجام خواسته را ابرام می‌نماید. دادنامه در قسمت مربوط به محکومیت آقای اشکان... واجد نقص در تحقیقات بوده و ذیلأ احصاء می‌گردد: ۰. گزارش اولیه ناظر به فعالیت خانم عاطفه... و آقای محمد... در توزیع مواد مخدر بوده و در مورد وضعیت اخلاقی اشکان... و فعالیت داشتن در تهیه و توزیع مواد مخدر از مطلعین محل تحقیق نشده است. ۰. در مورد وجود علقه زوجیت موقت که در توجیه حضور وی در منزل خانم عاطفه ادعا شده است بررسی به عمل نیامده و به طور کلی در رفت و آمد مشارالیه به منزل یاد شده و ارتباط داشتن با محمد... و عاطفه... از افراد مطلع تحقیق نشده است. ۰. علاوه بر سابقه محکومیت اشکان... موضوع دادنامه شماره ۰۰۰/۰۰/۰۰۰۰ ۰۰/۰۰/۰۰۰۰ مبنی بر نگهداری شیشه و ... (صفحه ۰۰) سابقه اتهامی مذکور در ظهر برگ انگشت‌نگاری (صفحه ۰۰) از حیث نتیجه ابهام دارد. ۰. با توجه به کشف دو عدد پایپ از مأمورین کاشف در خصوص مستعمل بودن آن، محل قرار داشتن مواد از حیث در معرض دید بودن آن و عکس‌العمل محکوم علیه تحقیق نشده است. ۰. در خصوص نحوه امرار معاش نامبرده تحقیق و پرینت مکالمات تلفنی مشارالیه در مدت دو ماه منتهی به کشف مواد و داشتن ارتباط تلفنی مکرر با دو نفر دیگر استعمال و مورد ارزیابی قرار نگرفته است، لذا معطوفاً به مراتب یاد شده و مستنداً ۰۰ شق «ب» و تبصره ذیل ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۰۰۰۰ با اصلاحات سال ۰۰۰۰ این بخش از دادنامه فرجام‌خواسته نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌گردد.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید شعب چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از اعدام را، قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آراء مورد بحث، آنها را غیر قابل طرح در دیوان عالی کشور دانسته‌اند ولی شعب چهارم و پنجم و چهل و ششم برخلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت‌های غیر از اعدام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظرخواهی‌های به عمل آمده در حدود مقررات ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۰۰۰۰ با اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده‌اند که چون با این ترتیب شعب مختلف دیوان عالی کشور با استناد به مواد مختلف قوانین در موضوع واحد، آراء مختلف صادر کرده‌اند و مرجع دیگری غیر از هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای حل این قبیل معضلات به نظر نمی‌رسد، لذا مستنداً به ماده ۰۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری، طرح موضوع را برای صدور رأی وحدت رویه قضایی تقاضا می‌نماید.

حسین مختاری - معاون قضایی دیوان عالی کشور

ب: نظریه دادستان کل کشور

«احتراماً؛ در خصوص جلسه مورخ ۰۰/۰/۰۰۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، موضوع رسیدگی به پرونده وحدت رویه ردیف ۰۰/۰۰ نظر خود را جهت استحضار حضرت عالی و قضات محترم حاضر در جلسه به شرح ذیل معروض می‌دارد:

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید شعب چهل و چهارم و سی و هشتم دیوان عالی کشور احکام صادره در مورد مواد مخدر، غیر از اعدام را، قطعی و غیر قابل تجدیدنظرخواهی دانسته و با توجیهات به عمل آمده در آراء مورد بحث، آنها را غیرقابل طرح در دیوان عالی کشور دانسته‌اند ولی شعب چهل و پنجم و چهل و ششم بر خلاف نظر شعب مذکور در فوق، اعتراض نسبت به محکومیت‌های غیر از اعدام را قابل طرح در دیوان عالی کشور تشخیص داده و نسبت به تجدیدنظرخواهی‌های به عمل آمده در حدود مقررات ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۷ یا اصلاحات بعدی اتخاذ تصمیم کرده‌اند.

نظر به اینکه ماده ۳۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۷ صراحتاً احکام محکومیت (غیر اعدام) را قطعی اعلام کرده است و طبق ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض، تجدیدنظر و فرجام‌خواهی تابع قوانین مجری در زمان صدور آنها می‌باشد، قابل تجدیدنظر دانستن این احکام نیاز به تصریح قانون دارد و طبق ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۷ ماده ۳۳۳ قانون مذکور نسخ صریح گردیده است و در ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که آراء دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود که در آن علت ذکر شده است و منصوص‌العله می‌باشد نباید به احکام قطعی دست زد و آنها را بدون مستند قانونی قابل تجدیدنظر دانست و نمی‌توان به اطلاعات اشاره و به عمومات مثل اینکه کلیه احکام قابل تجدیدنظر است، فرآیند دادرسی دو مرحله‌ای است، استناد کرد زیرا باید مستند قانونی صریح داشته باشیم و اینگونه احکام محکومیت (غیراعدام) نیز رسیدگی دو مرحله‌ای خود را طی کرده‌اند و ما در دادستانی کل در رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر از چهار یا پنج نظر قضایی همکاران استفاده می‌کردیم. در مورد اینکه قانون مبارزه با مواد مخدر مؤثر بوده یا خیر، نیاز به بررسی دارد و ما در مقام اجرای قانون هستیم. اگر این‌گونه آراء که قطعی و غیرقابل تجدیدنظر هستند خلاف قانون یا شرع بین تشخیص داده شوند باید برابر راهکارهای پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۷ عمل کرد، لذا احکام محکومیت (غیراعدام) مربوط به جرائم مواد مخدر صادره قبل از ۱۳۷۷/۱/۱ را قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌دانم و نظر به تأیید آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور دارم.»

ج: رأی وحدت رویه شماره ۲۶/۸/۱۳۹۴-۷۴۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به اینکه ماده ۳۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: «آراء صادره از حاکمات و اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد.» و با عنایت به اینکه بر حسب مستفاد از ماده ۳۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ... مصوب ۱۳۷۷/۱/۱، آراء محکومیت مرتکبین جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱ صادر گردیده، قطعی و لازم‌الاجرا است و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۷ مقررات خاصی برای تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی نسبت به این آراء وضع نگردیده است، بنابراین مقررات این قانون راجع به اعتراض به آراء با لحاظ حکم مقرر در ماده ۳۳۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «اثر قانون نسبت به آتی است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد، مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.» منصرف از آراء مورد اشاره است، بر این اساس، آراء شعب سی و هشتم و چهل و چهارم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۳۳۳ قانون اخیرالذکر در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور